

پژوهشی پیرامون اشارات علمی در قرآن کریم

دکتر صاحبعلی اکبری*

چکیده:

همان طوری که می دانیم، قرآن حکیم از جنبه های متعدد دارای اعجاز است. از جمله ی موارد اعجاز این کتاب آسمانی، اشارات علمی بکار رفته در آن است که برخی از آن ها را در عصرهای متمادی، دانش بشری کشف کرده و کشف دیگر حقایق نیز بر عهده ی زمان گذاشته شده است.

خداوند متعال می فرماید: سُنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ ... (فصلت/۵۳) در این آیه ی شریفه، حرف (س) آینده را می رساند و آینده نیز ادامه دارد و شامل تمامی نسل ها می گردد؛ زیرا هر نسلی بخشی از حقایق قرآنی را درک می کند و کشف حقایق بدین ترتیب تا روز قیامت ادامه دارد.

قرآن کریم تنها، کتاب هدایت است که نظر ما را به قوانین متنوع در این جهان هستی جلب کرده است. بنابراین فهم آن ضرورت پیدا می کند و این کار شدنی نیست مگر اینکه آگاهی کامل در علوم و معارف کسب کنیم و در سایه ی این دانش ها، اسرار قرآن را درک کنیم. بدین ترتیب قرآن حکیم به آن دسته از حقایق علمی اشاره کرده است که مردم در زمان نزول قرآن بر پیامبر (ص)، آن ها را درک نکرده و پس از گذشت قرن ها و پس از آنکه در علوم و دانش های مختلف، مهارت کسب کردند، به تفسیر آن ها پرداختند.

واژه های کلیدی: اعجاز، قرآن، اشارات علمی، جهان هستی، بشر.

*استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه:

خداوند متعال، حضرت محمد (ص) را در حالی برانگیخت که مردمان عرب از هر وقت دیگری شاعران و سخنوران شان بیشتر، لغتشان استوارتر و آمادگی شان بهتر بود. پیامبر (ص) همه را به توحید خداوند و تصدیق رسالت خود فراخواند و با دلیل و برهان آنان را دعوت کرد و چون عذر و بهانه ای برایشان باقی نگذاشت و شبهه هایشان را برطرف ساخت و چیزی جز هوای نفس و تعصب باطل آنان را از اقرار باز نمی داشت و جهل و حیرت مانع از ایمان آوردنشان نبود، برآن شدند که دست به شمشیر زنند، آنگاه پیامبر (ص) آماده ی جنگ شدند و بسیاری از بزرگان و شخصیت ها و عموها و عموزاده هایشان را در طول جنگ از دست دادند. در تمام این مدت پیامبر (ص) با قرآن بر آنان استدلال

می کرد و هر صبح و شب آنان را دعوت می نمود که اگر می توانند، با قرآن معارضه کنند، هر چند با یک سوره یا چند آیه و هر چه بیشتر تلاش می کردند، ناتوانی آن ها بیشتر آشکار می شد.

قرآن کریم این موضوع را در آیات متعددی بیان کرده و می فرماید:

﴿قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ (اسراء/۸۸) (۱) فليأتوا بحديث مثله إن كانوا صادقين. (طور/۳۴) (۲) أم يقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات و ادعوا من استطعتم من دون الله إن كنتم صادقين. (هود/۱۳) (۳) أم يقولون افتراه قل فأتوا بسورة مثله.... (یونس/۳۸) (۴) و إن كنتم فی ریب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله... ﴿﴾ (بقره/۲۳) (۵)

همان طوری که می دانیم معجزه‌ی پیامبر اسلام (ص) با معجزات سایر پیامبران، متفاوت بود. زیرا معجزات پیغمبران با گذشت زمانشان منقرض شد و جز حاضران کسی آن معجزه ها را ندیده است، اما معجزه‌ی قرآن تا دامنه‌ی قیامت ادامه دارد و خرق عادتش در اسلوب و بلاغت و خبر دادنش از عالم غیب همیشگی است. در هر عصر و زمان بخشی از آن چیزهایی آشکار می شود که خبر از وقوعش را قرآن داده است. به عبارت دیگر، معجزات پیامبران دیگر حسی بوده که با چشم دیده می شد؛ مانند ناقه‌ی صالح و عصای موسی، ولی معجزه‌ی قرآن با بصیرت و دیده‌ی دل مشاهده می گردد. بنابراین کسانی که از آن تبعیت می کنند تعدادشان بیشتر می شود. چون آنچه با دیده‌ی ظاهری مشاهده می شود با از بین رفتن دیده شده منقرض می گردد و آنچه با دیده‌ی دل مشاهده می شود باقی و ادامه دار است و کسانی که بعدها می آیند نیز آن را می بینند.

اعجاز قرآن در چیست؟

چون ثابت شده است که قرآن معجزه‌ی پیامبر اسلام (ص) است، بنابراین واجب است در شناخت وجه اعجاز آن همت گماشت. اعجاز قرآن کریم را در وجوه مختلف ذکر کرده اند: برخی گفته اند وجه اعجاز آن خبرهایی است که از غیب های آینده در آن هست، که این کار را عرب ها نمی توانستند. (سیوطی جلال الدین، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۷۳) عده ای گفته اند: آن چه از اخبار مربوط به ماجراهای پیشینیان و متقدمین در آن آمده، بطوری که انگار شاهد و حاضر بوده، وجه اعجاز قرآن باشد. کسانی هم وجه اعجاز آن را در خبر دادن از اسرار نهانی افراد می دانستند. (پیشین)

جلال الدین سیوطی به نقل از قاضی ابوبکر می گوید: «وجه اعجاز قرآن نظم و تألیف و ترتیبی است که در آن هست، و اینکه از تمام وجوه نظمی که در سخن عرب متداول بود جداست، و یا شیوه های خطاب ها و گفتارهایشان متباین می باشد.» (پیشین)

از میان سخنان متفاوت صاحب نظران در علوم قرآنی، مطلب زیر از زملکانی بسیار قابل اهمیت می باشد که گفته است: «وجه اعجاز به تألیف مخصوص قرآن مربوط می شود نه مطلق تألیف، به این که مفردات آن از لحاظ ترکیب و توازن در حد اعتدال است و مرکبات آن از نظر معنی بالا رفته که هر فنی را در مرتبه ی اعلای آن از حیث لفظ و معنی واقع ساخته است.» (پیشین)

در مقایسه ی سبک قرآن با سایر کتبی که به نوبه ی خود در اوج فصاحت و بلاغت در زبان و ادب عربی به شمار می آیند، نتیجه می گیریم که اعجاز قرآن از این جهت است که فصاحت و بلاغت در آن از تمامی جنبه ها و در سرتاسر آن استمرار یافته و اندکی سستی در آن یافت نمی شود و احدی از افراد بشر نیز بر انجام چنین امری توان ندارد. در کلام عرب و هر آنکه به زبان عربی سخن می گوید نیز چنان فصاحت و بلاغت در تمام آن و از هر لحاظ نیست؛ مگر در مقدار اندک و معدودی از آن. پس کلام به سستی می گراید و خوبی و رونق کلام قطع می شود. بنابراین فصاحت در همه جای آن استمرار نمی یابد بلکه بطور پراکنده در آن واقع می شود.

علت مصون ماندن قرآن در چیست؟

کتاب مقدس قرآن، تنها کتابی است که در میان سایر کتاب های آسمانی تا امروز از هر گونه زیادت و دستبرد مصون مانده و *إلی الأبد مصون می ماند*. علت مصون ماندن قرآن کریم بر می گردد به وجوه اعجاز آن که در مبحث پیشین به برخی از آن ها اشارت رفت. خداوند متعال خود نیز با آوردن مؤکدات بیشتر این مصونیت را تضمین کرده و فرموده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حج/۹)(۶) بنابراین بطور قطع و یقین سایه ی انسان ساز و الگو پرداز این وحی الهی، بشریت را در آینده ی نه چندان دور، در زیر چتر حمایت خود قرار خواهد داد. کتابی که درون و برون و محتوای آن، قرن هاست که جهان و جهانیان را به خود جلب کرده و به جامعه ی بشریت نوید می دهد که امیدوار باشند؛ امیدوار به پیروزی حق بر باطل و عدل و داد بر ظلم و ستم و نور و روشنایی بر ظلمت و تاریکی.

اشارات علمی در قرآن کریم:

همان طوری که در بحث های پیشین اشاره شد، قرآن حکیم از جنبه های متعدد دارای اعجاز است که برخی از آن موارد کشف و بسیاری دیگر در عصرهای آتی کشف خواهند شد. از جمله ی موارد اعجاز این کتاب آسمانی، اشارات علمی بکار رفته در آن است که برخی از آن ها را در عصرهای متمادی، دانش بشری کشف و کشف دیگر حقایق را بر عهده ی زمان گذاشته است. زیرا قرآن مخصوص یک عصر و یک نسل نیست بلکه مربوط به تمامی عصر ها و نسل هاست. خداوند متعال

می فرماید: ﴿سُنْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ (فصلت/۵۳) (۷) در این آیه‌ی شریفه، حرف (س) آینده را می‌رساند و آینده نیز ادامه دارد و شامل تمامی نسل‌ها می‌گردد؛ زیرا هر نسلی بخشی از حقایق قرآنی را درک می‌کند و کشف حقایق بدین ترتیب تا روز قیامت ادامه دارد. بی‌تردید قرآن کریم مبتنی بر علم است و هیچ آیه‌ای از آیات قرآن با هیچکدام از حقایق علمی منافات ندارد؛ چه حقایق کشف شده و چه حقایقی که هنوز کشف نشده‌اند. جنبه‌های علمی قرآن کریم در نظر روشنفکران عصر حاضر اهمیت زیادی دارد. بطوری که پس از سالیان دراز که مسلمانان از نظریات درست یا نادرست غرب تقلید می‌کردند، امروزه توجه به پژوهش‌های قرآنی را در درجه‌ی اول اهمیت قرار داده‌اند.

قرآن کریم در حقیقت برای هدایت و نجات بشریت نازل شده و تمامی معارف و دانش بشری را بالفعل در بر ندارد. قرآن کتاب پزشکی، نجوم، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، کالبدشناسی و غیره نیست که بطور مفصل در مورد هر علم یا فنی سخن گفته باشد. بلکه تنها کتاب هدایت است که نظر ما را به قوانین متنوع در این جهان هستی جلب کرده است. بنابراین فهم آن ضرورت پیدا می‌کند و این کار شدنی نیست مگر اینکه آگاهی کامل در علوم و معارف کسب کنیم و در سایه‌ی این دانش‌ها، اسرار قرآن را درک کنیم. مفسران زیادی مانند امام غزالی در کتاب (القسطاس المستقیم) و امام فخر رازی در تفسیر کبیر به این مسأله اشاره کرده و مطالبی را نگاشته‌اند. زرکشی نیز یکی از کسانی است که در این مورد اظهار نظر کرده و گفته است: «از این رو هر کس از دانش بهره‌ی فراوانی داشته باشد، سهم او در فهم علوم قرآن بیشتر خواهد بود». (البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۵)

بدین ترتیب قرآن حکیم به آن دسته از حقایق علمی اشاره کرده است که مردم در زمان نزول قرآن بر پیامبر (ص)، آن‌ها را درک نکرده و بعد از گذشت قرن‌ها و پس از گذشت قرن‌ها و پس از آنکه در علوم و دانش‌های مختلف، مهارت کسب کردند، به تفسیر آن‌ها پرداختند.

هدف از اشارات علمی در آیات قرآن کریم:

درست است که قرآن کریم یک کتاب علم طبیعی همانند پزشکی، نجوم و... نیست، اما آیاتی در آن وارد شده است که خداوند متعال در آن‌ها بعضی از اشارات مربوط به اینگونه علوم را ذکر کرده است که برای تحقق بخشیدن به اهدافی است که می‌توان آن‌ها را به صورت ذیل تقسیم بندی کرد:

۱- اظهار قدرت خداوند جهان و یادآوری عظمت خالق هستی

آیاتی که به این امر اشاره کرده‌اند زیادند و خداوند متعال در سوره‌های متعدّد و به روش‌های گونه‌گون آن‌ها را ذکر کرده است. برای نمونه به آیات شریفه‌ی ذیل اشاره می‌گردد:

﴿ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴾ * وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴾ * وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ ﴾ * وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ ابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴾ * وَ مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿﴾ (روم/ ۲۰- ۲۴)

۲- بیان نعمت های بی شمار خود در حق بندگان

قرآن در کنار ذکر این نعمت های بی شمار و فضیلت های بزرگ و فراوان در حق مردم، به ذکر پدیده های هستی و حقایق علمی طبیعی و پزشکی نیز می پردازد. برای نونه به آیات شریفه ی ذیل اشاره می گردد:

﴿ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴾ * يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَ النَّخِيلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴾ * وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴾ * وَ مَا ذُرًّا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴾ * وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴾ * وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴾ * وَ عِلْمَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴾ * أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴾ * وَ إِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿﴾ (نحل/ ۱۰- ۱۸) (۹)

﴿ وَ إِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ نُسَقِيكُمْ مِنْهَا فِي بَطُونِهِ مِنْ بَيْنِ قَرْنٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ﴾ (نحل/ ۶۶) (۱۰) وَ أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ ﴾ * ثُمَّ كَلَى مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكَ ذَلَّالًا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴾ (نحل/ ۶۷ و ۶۹) (۱۱) أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴾ * أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴾ * لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿﴾ (واقعه/ ۶۷- ۷۰) (۱۲)

۳- آگاه ساختن صاحبان خرد جهت اندیشیدن، تدبیر، دقت و استنباط

خداوند متعال با اسلوبی که متناسب با تمامی نسل ها و سطوح علمی آنان باشد می فرماید:

﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ... ﴾ (عنکبوت/ ۲۰) (۱۳) در تفسیر این آیه آمده است: «این آیه دلیل بر نامحدود بودن قدرت پروردگار می باشد». (طباطبائی، جامعه ی مدرسین، ج ۱۶،

= ﴿ قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... ﴾ (یونس/۱۰۱) (۱۴) در ذیل این آیه در مجمع البیان آمده است: «دقت در آمد و شد شب و روز و در ستارگان و آفرینش کوه ها و دریاها و درختان و حیوانات انسان را به ایمان و شناخت آفریدگار و وحدانیت و علم و قدرت و حکمت او فرا می خواند». (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۲۰۸)

= ﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴾ (آل عمران/۱۹۰) (۱۵) در تفسیر این آیه می خوانیم: «از این مورد به وجود خالق و نظم در خلقت او پی می بریم. زیرا یک امر منظم از یک قادر توانا سر می زند». (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۹۰۹)

= ﴿ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴾ (طارق/۵) (۱۶) أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ * وَ إِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ * وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ * فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ. (غاشیه/۱۷-۲۱) (۱۷) إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ * وَ فِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ * وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴾ (جاثیه/۳-۵) (۱۸)

تعداد آیات قرآنی که در آن ها به موضوعات هستی اشاره شده است بیش از هزار آیه می باشد. در حالی که آیات مربوط به احکام و تشریح حدود پانصد آیه است که نصف آیات مربوط به مسائل علمی می باشد.

در عصری که علم پیشرفت چشمگیری کرده است بر ما لازم و ضروری است که نسبت به بسیاری از حقایق علمی آگاهی کسب کرده و از این کتاب بزرگ الهی حقایقی را که بخاطر فراهم نبودن امکانات علمی برای مفسران و عموم مردم روشن نشده است، استنباط و استخراج کنیم. چرا که امروزه بسیاری از رازهای جهان هستی و انسان کشف شده است که دانشمندان پیشین آن ها را نشناخته بودند و تنها براساس اقتضای زبان، آن ها را تفسیر می کردند. حال آنکه شناخت علمی نسبت به آن ها در زمان خود پیدا نکرده بودند.

امروز با وجود پیشرفت علمی چشمگیر، هنوز در آغاز راه هستیم. زیرا بسیاری از مسائل پزشکی و حقایق علمی و پدیده های هستی یا ناشناخته اند یا اینکه تفسیر روشنی از آن ها وجود ندارد. خداوند متعال می فرماید: ﴿ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴾ (اسراء/۸۵) (۱۹) اما اگر در پژوهش های علمی از روش قرآن استفاده کنیم به کشف بسیاری از این امور دست پیدا می کنیم و باب های جدیدی را که در گذشته شناخته شده نبوده است، باز می کنیم و در نتیجه، پیشینه های علمی را در این زمینه ها نسبت به دیگران از آن خود می کنیم. خداوند متعال

می فرماید: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ﴾ (انفال/۵۹) (۲۰) آنچه نظرها را به خود جلب کرده و برجنبه‌ی علمی بودن قرآن کریم تأکید دارد، آن است که اولین پنج آیه ای که بر قلب مبارک حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) در غار حراء نازل شدند آیاتی هستند که دستور به خواندن علم و علم آموزی داده اند؛ خداوند متعال می فرماید: ﴿إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (علق/۱-۵) (۲۱) در این آیات تنظیم کلمات و پس و پیش آمدن آن ها قابل دقت است، که قرائت را مقدم بر کتابت و مکرر آورده است. زیرا که زبان پیش از خط پیدا شده و قرائت هم از حیث زمان و هم از نظر مقام و اهمیت مقدم بر کتابت است. چرا که گفته اند: «هر کتابتی حد اقل دو قرائت را از خود نویسنده لازم دارد: یکی آنکه قبلاً آموخته و خوانده تا آن را می تواند بنویسد، دیگر اینکه در حال نوشتن از نظر می گذراند؛ هرچند بر زبان نیاورد». (شریعتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۵۳)

۴- اعجاز علمی

با اثبات اینکه قرآن کتاب حق است و معنای اعجاز نیز در این جا همان است که شیخ عبدالمجید زندانی می گوید: «عبارت است از خبر دادن قرآن کریم از حقیقتی که علم تجربی آن را ثابت کرده و قابل ادراک نبودن آن را با ابزارهای بشری در زمان پیامبر (ص) نیز به اثبات رسانده است». (تأسیل الإعجاز العلمي فی القرآن و السنه، ص ۱۴) بنابراین قرآن کریم به بسیاری از حقایق علمی و پزشکی اشاره کرده است که امروزه برخی از آن ها روشن شده و با پیشرفت دانش جدید نیز بسیاری از آن ها روشن خواهد شد. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (نمل/۹۳) (۲۲)

۵- ارتباط میان بعضی از احکام فقهی و قوانین علمی در پزشکی و غیره

بسیاری از احکام فقهی و شرعی با مسایل علمی ارتباط دارند که در بعضی موارد این حکمت را درک می کنیم و در مواردی نیز از درک آن ناتوانیم. یک فرد مسلمان با صرف نظر از حکمت یا فایده‌ی آن، تنها به این علت که پایبندی نسبت به این احکام عبادت است، آن ها را بکار می گیرد. اما پژوهشگران با دقت نظر، مطابقت آن ها را با بسیاری از نتایج علمی و پزشکی جدید در سودمند بودن برای فرد و جامعه استدلال کرده اند. برای نمونه در احکام مربوط به حیض، عده‌ی مطلقه و بیوه، احکام شیر دادن، تحریم شراب، خوردن گوشت خوک و سایر احکام، توضیح بیشتری را ذکر می کنیم: الف: در آیه‌ی شریفه‌ی: ﴿وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...﴾ (بقره/۲۲۸) (۲۳) نتیجه‌ی علمی یا پزشکی در مورد عده‌ی مطلقه (حدود سه ماه) برای این است که رحم پاک شود تا

نسب ها در هم نیامیزد. در پزشکی معروف است که زن باردار در دو ماه اول بارداری، خونی را می بیند که شبیه حیض است؛ بطوری که گمان می کند باردار نیست، اما این مسأله در ماه سوم تکرار نمی شود. برای رسیدن به این اطمینان که جنینی در رحم زن مطلقه وجود ندارد، عده‌ی او را سه ماه قرار داده اند. (وصفی الحاج محمد، ۱۹۹۵، ص ۷۰)

ب: خداوند متعال می فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...﴾ (بقره/۱۸۹)(۲۴) در این آیه، میان وقت نماز و حج با حرکت ماه و زمین ارتباط وجود دارد. بخاطر همین مسأله، به علم فلک و مطالعه و اختراع در آن و پژوهش در رازهای نهفته‌ی آن در میان دانشمندان مسلمان توجه بیشتری شده است. در تفسیر این آیه آمده است: «ظاهر فعل مضارع (یسئلونک)، خبر از آینده و جمع (أهله) سؤال از چگونگی و سبب تغییرات شکل هلال است که نزدیکترین و جالبترین ستارگان به زمین و برای زمینیان می باشد. اگر به نقل بعضی روایات سؤالی از پیش بوده باید به فعل ماضی خبر داده شود: سئلوک عن الأهله. امر: قل... جوابی است که مسؤل و سائل را از اندیشه در چگونگی و سبب اشکال هلال، منصرف و محدود می نماید تا به منافع و نتایجی که برای آن ها در بر دارد توجه کنند قل هی مواقیت للناس والحج؛ بگو أهله، تعیین کننده‌ی اوقات کارها و معاملات و عبادات شما می باشد. چون ساعت مرتفعی در سقف فضا در برابر چشم ساکنین زمین آویخته شده حرکت یکنواخت زمان را تقسیم و شماره می نماید. اما بیان چگونگی این تغییرات نه وظیفه‌ی رسالت است و نه به صلاح و توانائی فکری همه. درها و حساب های ریاضی و فلکی آن، با گذشت زمان و کشف های علمی باز می شود و هوشمندان و جویندگان اینگونه کشف ها باید از درهای مخصوص آن وارد شوند.» (طالقانی، سید محمود ، ۱۳۵۸ش، ج ۲، ص ۷۷) همچنین در تفسیر می خوانیم: «در حقیقت ماه یک تقویم طبیعی برای تمام افراد بشر محسوب می شود، که عموم مردم اعم از باسواد و بی سواد در هر نقطه ای از جهان که باشند می توانند از این تقویم طبیعی استفاده کنند... یکی از امتیازات قوانین اسلام این است که دستورات آن معمولاً بر طبق مقیاس های طبیعی قرار داده شده است، زیرا مقیاس های طبیعی وسیله ای است که در اختیار همگان قرار دارد، و گذشت زمان اثری بر آن نمی گذارد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳-۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۶)

ج: خداوند متعال می فرماید: ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ...﴾ (بقره/۲۳۳)(۲۵) در این آیه اشاره ی پزشکی (پزشکی اطفال) به اهمیت و برتری کامل کردن دوران شیردهی به مدت دو سال وجود دارد. (حبّال، محمد جمیل، ۱۹۴۵، ص ۴۳) مطالعات و پژوهش های پزشکی، اهمیت و برتری شیر مادر را نسبت به شیر خشک در حفظ سلامتی جسم و

روان کودک به اثبات رسانده است. بطوری که پزشکان و گزارش های سازمان بهداشت جهانی بر استمرار زمان شیر دهی تا حد ممکن تأکید داشته و آن را تا دو سال کامل سفارش کرده اند. زیرا اینگونه کودکان کمتر به بیماری ها - مخصوصاً التهاب معده - مبتلا می شوند؛ حال آنکه کودکانی که از شیر مادر تغذیه نمی کنند، بیشتر به بیماری ها مبتلا می گردند. این مسأله با صرف نظر از عامل اقتصادی و اجتماعی در ترجیح شیر مادر بیان می گردد.

۶- تحکیم معانی و ارکان ایمان به خداوند و روز قیامت

هدف از این موضوع تثبیت عقیده در ضمیر انسان بوده و از مهمترین دلایل وارد شدن اشارات پزشکی و علمی صرف در قرآن کریم می باشد؛ تا میان ارکان ایمان و حقایق علمی ارتباط ایجاد کرده و موجب تعمق بخشیدن به این اعتقاد و تصدیق ارکان غیبی ایمان گردد. همان طوری که دانش جدید با پیشرفت ابزارهای علمی، صحت اشارات قرآنی مربوط به موضوعات هستی و طبیعی را یکی بعد از دیگری کشف می کند، اعتقاد و تسلیم در برابر ارکان غیبی ایمان نیز لازم می آید. زیرا طرف دیگر معامله امور غیر محسوس و مسایل متافیزیکی است که صحت امور محسوس و مادی را محقق می سازد. پس جنبه ی غیبی دو طرف معامله باید صحیح باشد تا حقایق علمی با حقایق قرآنی تناقض و تضاد پیدا نکنند. زیرا منبع هر دو خداوند متعال می باشد. در این جا قرآن کریم کتاب مکتوب خداوند جهان هستی، کتاب قابل مشاهده ی خداست. دکتر موریس بوکای می گوید: «قرآن کریم در بر دارنده ی هیچ مقوله ای قابل نقد از نظر علمی در عصر جدید نمی باشد». (دراسه الکتب المقدسه فی ضوء المعارف الحدیثه، ص ۱۳) این سخن مصداق آیه ی شریفه ی ﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (سبا/۶) (۲۶) می باشد.

از این گونه ارتباط در میان موضوعات، زیاد و به سبک های مختلف در قرآن کریم بطور فراوان وجود دارد؛ که تمامی این ها برای اهمیت موضوع و تثبیت این معنا و مقصد در ذهن ها می باشد. گاهی ذکر این حقایق ایمانی، در همان آیه ای است که اشارات علمی نیز در آن آیه به کار رفته است؛ گاهی در آیه یا آیات قبل از آن ها و یا بعد از آن ها می باشد و گاهی اشاره ی مستقیم به اینگونه حقایق شده است. قرآن کریم پر از نمونه ها و مثال های مربوط به چنین موضوعات است که به چند مورد اشاره می گردد:

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى * أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى * ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى * فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى * أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى﴾ (قیامت/۳۶-۴۰) (۲۷)

= ﴿ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ * يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ * إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴾. (طارق/۵-۸) (۲۸)

= ﴿ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴾. (مؤمنون/۱۲-۱۶) (۲۹)

= ﴿ وَ هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴾. (اعراف/۵۷) (۳۰) در تفسیر مجمع البیان در ذیل این آیه می خوانیم: « هدف در آیات واداشتن به تفکر و پندآموزی است. در این مسأله که آن کسی که قادر است درختان و میوه ها را در سرزمینی که نه آبی دارد و نه زرع بوسیله ی بادی که می فرستد، بوجود بیاورد، پس قادر است مردگان را نیز زنده کند.» (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۶۶۵)

= ﴿ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَ يَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ * وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ * فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾. (روم/۴۸-۵۰) (۳۱)

= ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ * ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ * ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ * ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَ نُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى * ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا * ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ * وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى * وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا * وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ * ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾. (حج/۶۵) (۳۲) در تفسیر این آیه می خوانیم: «کسی که قادر باشد از خاک انسان را بیافریند می تواند استخوان ها و مردگان را نیز زنده کند.» (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۱۱۳)

در سایر آیات نیز ارتباط تنگاتنگ میان اشارات علمی و پزشکی با مدلولات ایمانی مختلف مخصوصاً ایمان به خداوند متعال و یگانگی او، ایمان به روز قیامت و برانگیخته شدن وجود دارد. بخاطر اهمیت این موضوع، عبارت هایی را از زبان دکتر قاصد زیدی می آوریم: (الطبیعه فی القرآن الکریم، ۱۹۸۰، ص ۵۱۵)

۱- قرآن، طبیعت و عناصر مختلف آن را- چه آسمانی و چه زمینی، چه جاندار و چه غیر جاندار- رمینه ای برای محقق ساختن اهداف و مقاصد بزرگ قرار داده است. از جملهی آن ها مسائل مربوط به اصول دین مانند اثبات خالق و یگانگی او، منزه دانستن او از داشتن فرزند، صفات او، برانگیختن در روز قیامت و شبیه به این ها.

۲- قرآن با عناصر مهم در طبیعت که همان آسمان ها و زمین می باشد، به حقایق مهم در اندیشهی قرآنی استدلال می کند و سایر عناصر و پدیده های دیگر از قبیل پرندگان، ابرها، آب، کشت، درختان، شب و روز و غیره را وسیله ای برای استدلال قرار می دهد. استدلال به اینگونه عناصر، برای پاسخگویی به احساسات و تحریک عقل ها و در نتیجه، رسیدن به هدف های مهم یاد شده می باشد.

۳- قرآن برای درک حقایق غیر حسی به امر حسی استناد و استدلال می کند و طبیعت را زمینهی مناسبی برای استواری رفتار انسان در زندگی و برانگیختن او بر ایمان و دوری از کفر، گمراهی و نفاق قرار می دهد. این کار با آوردن صورت های زیبا و تشبیهات دل انگیز و مثل ها انجام می پذیرد.

نتیجه:

با مطالعه و بررسی اجمالی آیاتی که در آن ها اشارات مستقیم و یا غیر مستقیم به حقایق علمی صورت گرفته است، دریافتیم که:

۱- درست است که خداوند متعال قرآن را برای هدایت بشریت نازل کرده است و صرفاً کتاب علمی نیست، اما در آن اشاراتی به حقایق علمی- چه اشاره ی مستقیم و چه اشاره ی غیر مستقیم- صورت گرفته است که با هیچ یک از حقایق علمی کشف شده در عصر حاضر منافاتی ندارد.

۲- اشاره به حقایق علمی در قرآن کریم با در نظر گرفتن این موضوع که قرآن کتابی است برای همه ی عصرها و نسل ها، صورت گرفته است. بطوری که بعضی از حقایق علمی تاکنون بوسیلهی بشر کشف شده و بعضی دیگر بوسیلهی نسل های آینده کشف خواهد شد. زیرا قرآن کریم کشف حقایق را بر عهدهی زمان گذاشته است.

۳- اعجاز قرآن کریم در جنبه های مختلف می باشد و تفاوتی که با معجزات سایر پیامبران دارد، این است که با از میان رفتن پیامبران، معجزات آن ها نیز از میان رفت؛ اما معجزه ی قرآن با از میان رفتن پیامبر اسلام(ص)، نه تنها از بین نرفت، بلکه روز به روز بر عظمت آن افزوده شده و جایگاه خود را در میان حتی غیر مسلمانان باز کرده است.

۴- قرآن کریم، طبیعت و عناصر مختلف آن را رمینه ای برای محقق ساختن اهداف و مقاصد بزرگ قرار داده است. از جملهی آن ها مسائل مربوط به اصول دین می باشد.

۵- قرآن کریم با عناصر مهم در طبیعت، به حقایق مهم در اندیشه‌ی قرآنی استدلال می‌کند و سایر عناصر و پدیده‌های دیگر را وسیله‌ای برای پاسخگویی به احساسات و تحریک عقل‌ها و در نتیجه، رسیدن به هدف‌های مهم یاد شده قرار می‌دهد.

۶- قرآن برای درک حقایق غیر حسی به امر حسی استناد و استدلال می‌کند و طبیعت را زمینه‌ی مناسبی برای استواری رفتار انسان در زندگی و برانگیختن او بر ایمان و دوری از کفر، گمراهی و نفاق قرار می‌دهد.

پانویست‌ها

۱- بگو: اگر انسان‌ها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد، هرچند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند.

۲- اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن را بیاورند.

۳- آن‌ها می‌گویند: او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است). بگو: اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره‌ی ساختگی همانند این قرآن بیاورید، و تمام کسانی را که می‌توانید - غیر از خدا - (برای این کار) دعوت کنید.

۴- آیا آن‌ها می‌گویند: او قرآن را بدروغ به خدا نسبت داده است؟ بگو: یک سوره همانند آن را بیاورید.

۵- واگر در باره‌ی آنچه بر بنده‌ی خود (پیامبر) نازل کرده ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید.

۶- ما قرآن را نازل کردیم، و ما بطور قطع نگهدار آن هستیم.

۷- به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جان‌شان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است.

۸- از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس بناگاه انسان‌هایی شدید و در روی زمین گسترش یافتید. و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید، و در میان تان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. و از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست، در این نشانه‌هایی است برای عالمان. و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوشش تان برای بهره‌گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش)، در این امور نشانه‌هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند. و از آیات او این است که برق (ورعد) را به شما نشان می‌دهد که هم مایه‌ی ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان، آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله‌ی آن زنده می‌کند، در این نشانه‌هایی است برای جمعیتی که می‌اندیشند.

۹- خداوند با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه‌ی میوه‌ها می‌رویاند، مسلماً در این، نشانه‌ی روشنی برای اندیشمندان است. او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت، و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمایند، در این، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا) برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند. (علاوه بر این مخلوقات را که در زمین به رنگ‌های گوناگون آفریده نیز مسخر (فرمان شما) ساخت، در این، نشانه‌ی

روشنی است برای گروهی که متذکر می شوند. او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید، و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید، و کشتی ها را می بینید که سینه‌ی دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید، شاید شکر نعمت های او را بجا آورید. و در زمین، کوه های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد، و نهرها و راه هایی ایجاد کرد، تا هدایت شوید. و (نیز) علاماتی قراز داد، و (شب هنگام) به وسیله‌ی ستارگان هدایت می شوند. آیا کسی که (این گونه مخلوقات را) می آفرینند، همچون کسی است که نمی آفریند؟ آیا متذکر نمی شوید؟ و اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آن ها را شمارش کنید، خداوند بخشنده و مهربان است.

۱۰- برای شما در چارپایان پندی است. از شیر خالصی که از شکم شان از میان سرگین و خون بیرون می آید سیراب تان می کنیم، شیری که به کام نوشندگانش گواراست.

۱۱- پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که: از کوه ها و درختان و در بناهایی که می سازند خانه هایی برگزین. آنگاه از هر ثمره ای بخور و فرمان بردار به راه پروردگارت برو. از شکم او شرابی رنگارنگ بیرون می آید که شفای مردم در آن است. و صاحبان اندیشه را در این عبرتی است.

۱۲- آیا آبی را که می نوشید دیده اید؟ آیا شما آن را از ابر فرو می فرستید یا ما فرستاده ایم؟ اگر می خواستیم آن را تلخ می گردانیدیم. پس چرا سپاس نمی گوید؟

۱۳- بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده....

۱۴- بگو: بنگرید که چه چیزهایی در آسمان ها و زمین است....

۱۵- هر آینه در آفرینش آسمان ها و آمد و شد شب و روز، خردمندان را عبرت هاست.

۱۶- پس آدمی بنگرد که از چه آفریده شده است.

۱۷- آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ و به آسمان که چه سانش برافراشته اند؟ و به کوه ها که چگونه برکشیده اند؟ و به زمین که چه سان گسترده شده؟ پس پند ده که تو پند دهنده ای هستی.

۱۸- هر آینه در آسمان ها و زمین نشانه های عبرتی است برای مؤمنان و در آفرینش شما و پراکنده شدن جنبنندگان عبرت هاست برای اهل یقین آمد و شد و شب و روز و رزقی که خداوند از آسمان می فرستد و زمین مرده را بدان زنده می کند و نیز در وزش بادها عبرت هاست برای عاقلان.

۱۹- تو را از روح می پرسند. بگو: روح جزئی از فرمان پروردگار من است و شما را جز اندک دانشی نداده اند.

۲۰- آنان که کافر شدند نپندارند که جسته اند. زیرا خداوند را ناتوان نمی سازند.

۲۱- بخوان به نام پروردگارت که بیافرید. آدمی را از لخته خونی بیافرید. بخوان و پروردگار تو ارجمندترین است. خدایی که به وسیله ی قلم آموزش داد، به آدمی آنچه را نمی دانست بیاموخت.

۲۲- و بگو: سپاس خدا راست. آیات خود را به شما خواهد نمود تا آن ها را بشناسید. و پروردگار تو از هیچ کاری که می کنید بی خبر نیست.

۲۳- باید که زنان مطلقه تا سه بار پاک شدن از شوهر کردن باز ایستند....

۲۴- از تو در باره ی هلال های ماه می پرسند، بگو: برای آن است که مردم وقت کارهای خویش و زمان حج را

۲۵- مادرانی که می خواهند شیر دادن به فرزندان خود را کامل کنند، دو سال تمام شیرشان بدهند....

۲۶- آنان که از دانش برخوردار یافته اند می دانند که آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است حق است

و به راه خدای پیروزمند ستودنی راه می نماید.

۲۷- آیا انسان می پندارد که او را به حال خود واگذاشته اند؟ آیا او نطفه ای از منی ریخته شده نبوده است؟ سپس

لخته ای خون؟ آنگاه به اندام درستش بیافرید، و آن ها را دو صنف کرد: نر و ماده. آیا خداوند قادر نیست که مردگان را زنده سازد؟

۲۸- پس آدمی بنگرد که از چه آفریده شده است، از آبی جهنده آفریده شده است، که از میان پشت و سینه بیرون می

آید. خداوند به بازگردانیدن او تواناست.

۲۹- هر آینه ما انسان را از گل خالص آفریدیم. سپس او را نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه از آن

نطفه، لخته خونی آفریدیم و از آن لخته خون، پاره گوشتی و از آن پاره گوشت، استخوان ها را به گوشت پوشانیدیم، بار

دیگر او را آفرینشی دیگر دادیم. در خور تعظیم است خداوند، آن بهترین آفرینندگان. و بعد از این همه شما خواهید

مرد. باز در روز قیامت زنده می گردید.

۳۰- و اوست که پیشاپیش رحمت خود، باد ها را به بشارت می فرستد. چون بادهای گرانبار را بردارند، ما آن

را به سرزمین های مرده روان می سازیم و از آن باران می فرستیم و به باران هر گونه ثمره ای را می رویانیم. مردگان را

نیز این چنین زنده می گردانیم شاید پند گیرید.

۳۱- خداست که بادهای را می فرستد تا ابر ها را برانگیزد و چنان که می خواهد بر آسمان بگسترده، و آن را پاره پاره

کند و بینی که باران از خلال ابرها بیرون می آید. و چون باران را به هر که خواهد از بندگانش برساند شادمان شوند.

اگرچه پیش از آنکه باران بر آن ها ببارد نومید بوده اند. پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مردنش

زنده می کند. چنین خدایی زنده کننده‌ی مردگان است و بر هر کاری تواناست.

۳۲- ای مردم! اگر از روز رستاخیز در تردید هستید، ما شما را از خاک و سپس از نطفه، آنگاه از لخته خونی و

سپس از پاره گوشتی گاه تمام آفریده گاه ناتمام، بیافریده ایم، تا قدرت خود را برایتان آشکار سازیم. و تا زمانی معین

هرچه را خواهیم در رحم ها نگه می داریم. آنگاه شما را که کودکی هستید بیرون می آوریم تا به حد زورمندی خود

رسید. بعضی از شما می میرند و بعضی به سال خوردگی برده می شوند تا آنگاه که از هر چه آموخته اند فراموش کنند.

و تو زمین را فسرده می بینی. چون باران بر آن بفرستیم، در اهتزاز آید و نمو کند و از هر گونه گیاه بهجت انگیز برویاند.

و این ها دلیل بر آن است که خدا حق است، مردگان را زنده می سازد و بر هر کاری تواناست.

منابع و مأخذ:

در این مقاله علاوه بر قرآن کریم که منبع اصلی می باشد، از منابع ذیل استفاده گردیده است:

- ۱- بوکای موريس، دراسة الكتب المقدسة في ضوء المعارف الحديثة، دار المعارف، چاپ اول ۱۹۸۷م، قاهره.
- ۲- الحبال محمد جميل و العمرى وميض رمزى ، الطب فى القرآن ، ترجمه ی صاحبعلی اکبری ، انتشارات پیک توس ، چاپ اول ، ۱۳۸۳ش ، مشهد مقدس.
- ۳- زرکشی بدرالدین، البرهان فى علوم القرآن، چاپ اول، قاهره.
- ۴- زیدی قاصد، الطبیعة فى القرآن الکریم، دارالرشید، چاپ اول، ۱۹۸۰م، بغداد.
- ۵- السیوطی جلال الدین، الإیتقان فى علوم القرآن، ترجمه ی سیدمهدی حائری قزوینی، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳، تهران.
- ۶- شریعتی محمدتقی، تفسیر نوین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا، تهران.
- ۷- طالقانی سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۸، تهران.
- ۸- طباطبائی سید محمدحسین، تفسیر المیزان، جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، بی تا.
- ۹- طبرسی شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فى تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۵، تهران.
- ۱۰- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۵۳-۱۳۶۶ش، دارالکتب الإسلامیه، تهران.
- ۱۱- وصفی الحاج محمد، القرآن والطب، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۹۹۵م، بیروت-لبنان.